



فهیمة سروری، بانوی فعال محله کنه بیست
 ۳۰۰ نیروی داوطلب را برای حل مسائل اجتماعی دور هم جمع کرده است

کاشت بذر دغدغه مندی

۵۰۴



عکس: فهیمة فرخی / شهرآرا

کودکی و نوجوانی مهدی مهمان نواز
 با عبور قطار از نزدیک خانه گره خورده است
خاطراتی روی ریل سجادیه



اهالی محله انصار از سروصدای تعمیرگاه‌ها
 و اشغال پیاده‌روها گلایه دارند
شهرک صنعتی در دل بافت مسکونی

نوجوان رزمی‌کار محله مهرآباد در ۵ سال گذشته
 به سکوی قهرمانی کشور و رقابت در لیگ برتر رسیده است
یک قدم تا افتخار جهانی

همسایه به همسایه، دیدار چهل و یکم، کوچه شهید برات هنرمند یک

کوچه کوره آجرپزی مثل خانه ماست

عطائی | کوچه شهید برات هنرمند یک در محله سجاده، یادگاری از روزگار کوره های آجرپزی و خشت مالی این محدوده است. معبری که هنوز چند متر پایین تر از خیابان های اطراف قرار دارد و نشانه هایی از گذشته را در خود حفظ کرده است. اما آنچه بیش از هر چیز در این کوچه به چشم می آید، صمیمیت و همدلی ساکنانی است که سال ها در کنار یکدیگر زندگی کرده اند و خاطرات مشترکشان، این معبر قدیمی را به خانه ای بزرگ برای همه همسایه ها تبدیل کرده است.

«مادر» همه همسایه ها

عزت ملکی، مادر شهید برات هنرمند، از قدیمی ترین ساکنان این کوچه است؛ بانویی که نام فرزندش بر سردر معبر نقش بسته و خود نیز بخشی از تاریخ این محله به شمار می رود. او هنوز روزهایی را به خاطر دارد که در این محدوده، کوره های آجرپزی فعال بود و زمین های اطراف چهره ای کاملاً متفاوت داشت. عزت خانم تعریف می کند: سال ها این طرف و آن طرف کار کردم تا بالاخره سرمایه کمی جور شد و توانستم خانه ای در این کوچه بخرم. او از همسایه های قدیم و جدید با محبت یاد می کند و می گوید: وقتی آمدیم اینجا چند خانواده بیشتر ساکن نبودند اما همگی شان مهربان و با معرفت بودند؛ درست مثل خانواده خودمان رفتار می کردند. اگرچه مادر هشت فرزند است، اهالی کوچه معتقدند فرزندانش تنها به اعضای خانواده محدود نمی شوند. بسیاری از همسایه ها او را «مادر» صدا می زنند و برای مهربانی، دلسوژی و دستگیری هایش احترام ویژه ای قائل هستند. همین ویژگی ها باعث شده است که نبود چند روزه او در کوچه، نگرانی و دلتنگی همسایه ها را به دنبال داشته باشد. عزت خانم همسایه قدیمی و رفیق مسجدی اش، طیبه عظمی را معرفی می کند.



رازدار همسایه ها

طیبه عظمی از دیگر ساکنان قدیمی این کوچه است که هم زمان با روزهای پیروزی انقلاب اسلامی به همراه همسرش در اینجا ساکن شد. او می گوید: نخستین سال های زندگی مشترک من و همسرم در این کوچه، با حمایت و همراهی همسایه ها گذشت. روزهایی که حتی آب و برق خانه را با کمک همسایگان تأمین می کردیم. یکی شلنگ آب کشیده بود تا حیاطمان و آن یکی کابل برق داد.

از نظر او امروز هم روابط همسایگی در کوچه گرم و صمیمی است، اما در گذشته پیوندها عمیق تر و رفت و آمدها بیشتر بود. همسایه ها از او به عنوان فردی مهربان، خوش اخلاق و رازدار یاد می کنند؛ کسی که شنونده درد دل دیگران است و اعتماد اهالی را به دست آورده است.

همسر مرحومش، محمد سالاری، سال ها نیش کوچه مغازه بقالی داشته؛ مغازه ای که بسیاری از اهالی هنوز آن را با حساب دفتری و کمک به خانواده های نیازمند به یاد می آورند. با معرفی طیبه خانم سراغ سومین همسایه این کوچه می رویم؛ فاطمه کلاته که متولد همین کوچه است و گویا بخند هیچ وقت از صورتش محو نمی شود.

یاری رسان همسایه ها

فاطمه کلاته که بیشتر اهالی او را با نام «خانم سبزواری» می شناسند، از کودکی در این کوچه زندگی کرده است. خانواده او زمانی که تنها شش ماه داشته به اینجا نقل مکان می کنند و همین دلبستگی به محله باعث می شود پس از ازدواج نیز دوباره به همین کوچه بازگردد. او می گوید: حس همدلی میان ساکنان این معبر ویژگی خاصی دارد؛ موضوعی که در روزهای دشوار زندگی بیش از هر زمان دیگری خود را نشان داده است؛ مثلاً همراهی همسایه ها در زمان از دست دادن پدر و مادرم را هرگز فراموش نمی کنم. فراموش نمی کنم که همگی برای کمک و دلداری آمدند.

اهالی نیز او را فردی خوش برخورد، خنده رو و یاری رسان معرفی می کنند. در سال های گذشته بارها محصولات محلی و لبنی زادگاه خانوادگی اش در کلاته مزینان سبزواری را برای همسایه ها آورده و تلاش کرده است این محصولات را با قیمتی مناسب تر و قسطی در اختیار آنان قرار دهد.



عملکرد شورای اجتماعی محلات منطقه ۵ با حضور مسئولان سازمان فرهنگی و اجتماعی شهرداری مشهد بررسی شد

اجرای بیش از ۹۰ درصد مصوبات



عطائی | هفته گذشته، نشست رؤسای شوراهای اجتماعی محلات منطقه ۵ با حضور مسئولان سازمان فرهنگی و اجتماعی شهرداری مشهد در سالن اجتماعات شهرداری این منطقه برگزار شد.

هدف از این نشست که با حضور مهدی ابراهیمی، معاون اجتماعی و مشارکت ها و سید مهدی جوادپور، رئیس اداره شورای اجتماعی محلات سازمان فرهنگی و اجتماعی شهرداری مشهد، مجتبی برزشی، معاون فرهنگی و اجتماعی شهرداری منطقه ۵ و رؤسای شوراهای اجتماعی محلات برگزار شد، ارزیابی روند اجرای مصوبات، تقویت مشارکت های مردمی و تسریع در پیگیری مطالبات محلات بود.

در این نشست مشخص شد مصوبات شورای اجتماعی در سال گذشته، در شش محله بصورت کامل و پنج محله دیگر نیز بیش از ۹۰ درصد اجرایی شده است.

پیشنهاد واگذاری ۳۳ ملک در منطقه ۵

شهرداری منطقه ۵ در دومین نمایشگاه زمین، مسکن و فرصت های ساخت و ساز که با هدف کمک به رونق ساخت و ساز برگزار شد، با بسته های جذاب پیشنهادی شامل ۳۳ ملک حضور یافت و در عین حال سایر ظرفیت های منطقه نیز در این نمایشگاه عرضه شد. در اولین دور برگزاری نمایشگاه نیز تعداد ۱۷۰ ملک در محدوده شهرداری منطقه ۵ به ارزش حدودی ۲ هزار میلیارد تومان به بازدیدکنندگان معرفی شده بود که از این تعداد، حدود نوزده ملک به ارزش ۲۰۰ میلیارد تومان به فروش رسید.

نوآوری ۲۳۰ مخزن زباله

به منظور زیباسازی محیط شهری، حفظ نظافت محیطی و پاک سازی مکان های جمع آوری زباله، تعداد ۲۳۰ پلتفرم مخازن زباله ۱۱۰۰ لیتری در محدوده منطقه ۵ رنگ شد.

همچنین شست و شو و گند زدایی روزانه مخازن زباله با هدف رعایت بهداشت محیطی در دستور کار قرار دارد.

برخی از گلیه های بحق شهروندان در تماس با مرکز ارتباطات مردمی شهرداری ۱۳۷ در خصوص انباشت زباله در محل استقرار مخازن ۱۱۰۰ لیتری زباله است؛ در صورتی که این مخازن مستقر در معابر منطقه با رویکرد جمع آوری موقت پسماند حاصل از رفت و روب نیروهای پاکبان اداره خدمات شهری تعبیه شده است و جمع آوری زباله خانگی در ساعت مقرر شبانه و توسط خودرو مخصوص صورت می گیرد.



● ● چهره نازیبا محله

طاهره عابدی می‌گوید مشکل تنها به ساعات روز محدود نمی‌شود و گاهی صدای فعالیت تعمیرگاه‌ها تا نیمه شب هم ادامه دارد؛ «بعضی شب‌ها صدای دستگاه‌های برقی و کار کردن تعمیرکارها تا دیروقت می‌آید و نمی‌گذارد مردم استراحت کنند. در این کوچه، خانواده‌هایی زندگی می‌کنند که بیمار اعصاب و روان دارند یا افراد سالمند در خانه‌شان هستند و این شرایط برای آن‌ها سخت‌تر است.»

به گفته او، ساکنان بارها تلاش کرده‌اند موضوع را در ستان حل کنند؛ «چندین بار با تعمیرکارها صحبت کردیم که حداقل رفت و آمدشان را از داخل کوچه انجام ندهند یا شب‌ها فعالیت نکنند. اما تغییری ایجاد نشد و مشکل همچنان ادامه دارد.»

البته گلایه‌ها تنها به کوچه ۵۶ محدود نمی‌شود. ساکنان دیگر بخش‌های این محدوده هم از وضعیت موجود رضایت ندارند. یکی از ساکنان حر ۵۸ از اشغال مداوم پیاده‌روها توسط خودروهای در انتظار تعمیر گلایه می‌کند و می‌گوید عبور و مرور عابران در بسیاری از ساعات روز با دشواری همراه است. علی‌نوکندی، از دیگر ساکنان این محدوده، می‌گوید: «در این راسته تقریباً همیشه خودروهایی را می‌بینیم که برای تعمیر در حاشیه خیابان یا حتی داخل پیاده‌رو پارک شده‌اند.»

● ● تذکر و اخطار به واحدهای صنفی متخلف

رئیس ناحیه ۲ شهرداری مشهد با تأیید وجود برخی مشکلات ناشی از فعالیت تعمیرگاه‌ها در این محدوده، معتقد است راهکار اساسی، سامان‌دهی و انتقال این مشاغل به مکان‌های مناسب‌تر است. با این حال، او به یک واقعیت دیگر نیز اشاره می‌کند؛ اینکه بسیاری از این واحدهای صنفی پیش از شکل‌گیری گسترده بافت مسکونی در این محدوده فعالیت داشته‌اند. سید مجید پورحسینی می‌گوید: اگر بخواهیم منصفانه به موضوع نگاه کنیم، در بسیاری از موارد ابتدا این مشاغل در منطقه مستقر بوده‌اند و به مرور زمان توسعه بافت مسکونی در اطراف آن‌ها شکل گرفته است. از طرف دیگر، وجود بخشی از خدمات تعمیر خودرو در سطح شهر نیز ضروری است تا شهروندان برای رفع مشکلات خودروهای خود مجبور به طی مسافت‌های طولانی نباشند. وی با بیان اینکه شهرداری در چارچوب اختیارات خود، موضوع را پیگیری می‌کند، افزود: در چنین مواردی نخستین اقدام، ارائه تذکر و اخطار به واحدهای متخلف است تا ضوابط مربوط به فعالیت صنفی را رعایت کنند؛ از جمله اینکه از ایجاد آلودگی صوتی به ویژه در ساعات شب جلوگیری شود و مزاحمتی برای ساکنان اطراف به وجود نیاید. ما درباره این موضوع تذکر خواهیم داد.

پورحسینی همچنین درباره گلایه ساکنان کوچه ۵۶ می‌افزاید: به گزارش واقع در نبش این کوچه نیز اخطار داده خواهد شد.



● ● ترافیک و سروصدا

روز به نیمه رسیده و فعالیت تعمیرگاه‌های این محدوده به اوج خود رسیده است. خودروها در حاشیه خیابان و کنار پیاده‌روها ردیف شده‌اند و برخی حتی بخشی از پیاده‌رو را اشغال کرده‌اند. با هر چند قدمی که در امتداد بلوار حر برداشته می‌شود، صدای دستگاه‌های برقی، چکش کاری و تعمیر خودروها به گوش می‌رسد؛ محدوده‌ای که به گفته برخی ساکنان، سال‌هاست بیشتر به یک شهرک صنعتی در دل بافت مسکونی شباهت پیدا کرده است. در میان گلایه‌های مختلف، اهالی کوچه ۵۶ بیش از دیگران از شرایط موجود ناراضی هستند. درست در ابتدای این کوچه، گزارزی قرار دارد که چند واحد تعمیرگاهی در آن فعالیت می‌کنند. طاهره عابدی، یکی از ساکنان قدیمی این کوچه، می‌گوید: «از سال‌ها پیش، حتی پیش از شکل‌گیری بافت مسکونی، این تعمیرگاه‌ها در این محدوده فعالیت دارند، اما مشکل اصلی گزارزی است که در ابتدای کوچه قرار گرفته. این مجموعه یک در به سمت بلوار اصلی و یک در هم به داخل کوچه دارد و رفت و آمد خودروهایی که برای تعمیر مراجعه می‌کنند، باعث شلوغی و ایجاد مزاحمت در داخل کوچه می‌شود.»

اهالی محله انصار از سروصدای تعمیرگاه‌ها و اشغال پیاده‌روها گلایه دارند

شهرک صنعتی در دل بافت مسکونی

نیکو عقیده‌انیش خیابان حر ۵۶، جایی است که یک گزارز با چند واحد تعمیرگاهی میان خانه‌های مسکونی جا گرفته و این موضوع سال‌هاست به یکی از گلایه‌های اصلی ساکنان این محدوده تبدیل شده است. اهالی می‌گویند سروصدای این گزارز تنها به ساعات روز محدود نمی‌شود و گاهی تا شب هم ادامه پیدا می‌کند و آرامش ساکنان کوچه را برهم می‌زند. این مشکل البته تنها به یک گزارز محدود نمی‌شود. از خیابان حر ۵۶ تا نبش خیابان حر ۷۰، در بخش‌هایی از بلوار حر، تعمیرگاه‌های خودرو در حاشیه خیابان و در همسایگی منازل مسکونی فعالیت می‌کنند؛ وضعیتی که به گفته ساکنان محله انصار، علاوه بر آلودگی صوتی، رفت و آمد خودروها و اشغال فضای معابر را هم به دنبال داشته است. این موضوع این روزها به یکی از مطالبات جدی اهالی برای سامان‌دهی فعالیت تعمیرگاه‌های این محدوده تبدیل شده است.



هموارسازی مسیر زیارت

پروژه پیاده‌روسازی ۴ هزار متری در خیابان مصلی در حال انجام است. عملیات بهسازی و پیاده‌روسازی معابر منتهی به پارک‌های منور رضوی و مساجد هم جوار در خیابان مصلی ۳۰ در راستای تحقق طرح «پیشخان زیارت، و باهدف آسان‌سازی تردد زائران و نمازگزاران آغاز شد.»

این پروژه به‌ارعایت استانداردهای شهرسازی و اولویت مناسب‌سازی مسیر تشریف به مساجد، به طول ۴ هزار متر (در دو مسیر رفت و برگشت) در حال انجام است. با اجرای این طرح، علاوه بر ارتقای کیفیت منظر شهری، مسیری شایسته و ایمن برای تشریف مجاوران به مساجد و زائران به حرم مطهر فراهم می‌شود تا خدمت‌رسانی به مردم در حوزه‌های مذهبی و اجتماعی بهبود یابد.



عطائی‌اشهردار منطقه ۶ مشهد در حاشیه نمایشگاه زمین و مسکن از احداث خیابان ۲۵ متری شمالی - جنوبی که خیابان حر را به مفتوح شرقی متصل می‌کند، خبر داد. امیرمضانی گفت: این خیابان، محدوده خوش‌سیمای آن را از حالت بن‌بست خارج می‌کند و دسترسی ساکنان را به طور چشمگیری بهبود می‌بخشد.

مضانی در ادامه مهم‌ترین پروژه شاخص منطقه را بهره‌برداری از زمین بیست‌هکتاری «خدر بیگ» عنوان کرد: خوشبختانه در روزهای اخیر، فرایند استحصال این زمین به پایان رسیده و تنها بخش‌های مختصری از تعیین سهم باقی مانده است.

شهردار منطقه ۶ افزود: سهم شهرداری در این پروژه ۴۰۵ هکتار است که پس از آماده‌سازی و قطعه‌بندی با متراژهای ۱۰۰ تا ۲۵۰ مترمربع در نمایشگاه‌های بعدی واگذار خواهد شد.



شهردار منطقه شش از احداث خیابان ۳۵ متری خبر داد

اتصال حر به مفتوح شرقی

گل‌آرایی باگونه‌های مقاوم

عملیات کاشت ۱۶۰ هزار بوته گل فصلی از گونه‌های کوکب کوهی، رعنا زیبا، جعفری، کروپسیس، مارگریت و مغربی در منطقه آغاز شد. باتوجه به شرایط آبیاری تابستان، گل‌های مقاوم به کم‌آبی انتخاب شده‌اند تا ضمن حفظ زیبایی فضای سبز، مصرف آب مدیریت شود. با وجود محدودیت‌های آبی، نه‌تنها نباید از زیبایی شهر دست‌کشید، بلکه با انتخاب گونه‌های مقاوم و کم‌آب، به استقبال تابستانی سرسبز و امیدآفرین خواهیم رفت.

فهیمة سروری، بانوی فعال محله کنه بیست
۳۰۰ نیروی داوطلب را برای حل مسائل اجتماعی دور هم جمع کرده است



کاشت بذر دغدغه مندی



● درس اول، مسئولیت پذیری

نیکی عقیده دست روی دست گذاشتن را دوست ندارد. درد هم محله ای هایش را می فهمد و تا کاری برایشان انجام ندهد، آرام نمی گیرد. در عین این همه دغدغه مندی، آرامشی مثال زدن در وجودش دارد و نگاه مهربانی که که پیش از هر کلامی، صمیمیتش را نشان می دهد. تکه کلامش، «مامان جان» است؛ عبارتی که آخر هر جمله اش می گذارد و باعث می شود کلامش در جان بنشیند. همه این ویژگی ها در وجودش باعث شده است که حال کلی مسئولیت روی دوش او قرار بگیرد؛ مسئولیت هایی که تمامی ندارند و دغدغه هایی که یکی دو تا نیستند. دبیر مدارس حاشیه شهر است و فرمانده پایگاه بنت الهدی و مدیر قرارگاه کرامت. او یک تشکل و گروه جهادی فعال به نام ولی عصر (عج) هم دارد. اما همه این ها بخشی از مسئولیت هایی هستند که او بر عهده گرفته است. به واسطه همین فعالیت ها حالا سیصد نیروی پای کار دارد که مثل او دغدغه پیشرفت این محله را دارند. هر کدام گوشه ای از کار را بر عهده گرفته اند. یکی رایگان برای بانوان جلسه مشاوره برگزار می کند. دیگری به عنوان معلم برای کودکان بازمانده از تحصیل کلاس درسی برگزار می کند و... بنایی که آجرش را فهیمة سروری دانه دانه روی هم گذاشته، قرار است توسط او و همراهانش تأثیرا هم بالا برود. اما چه شد که این دغدغه ها در او شکل گرفت؟



خودت را به کسی واگذار نکن و توکل همیشه به خدا باشد. اما پدر تنها به تربیت اخلاقی فرزندانش اهمیت نمی داد و تحصیل برای او موضوعی جدی بود. همین شد که وقتی فهیمة سروری سال ۱۳۸۵ در رشته جغرافیا و برنامه ریزی شهری دانشگاه فردوسی مشهد پذیرفته شد، برای این اتفاق جشن گرفت و برای فامیل و اهالی محل ولیمه داد. فهیمة سروری چهار سال دوران دانشجویی را با جدیت پشت سر گذاشت. از همان سال ها در پروژه های پژوهشی مختلف کنار استادانش فعالیت و برای انجام هر پروژه ساعت های زیادی مطالعه می کرد؛ «چهار سال با تلاش و با جان و دل درس خواندم. خارج از درس ها هم با استادان، پروژه های مختلفی را پیش می بردیم. برای هر پروژه لازم بود ده ها کتاب بخوانم و ساعت ها مطالعه کنم. همان سال ها یاد گرفتم برای رسیدن به نتیجه، هیچ راه میانبری وجود ندارد.»

برای پیدا کردن ریشه این دغدغه مندی باید به سال ها قبل برگشت؛ به خانه ای پر جمعیت که فهیمة سروری فرزند اول آن و متولد سال ۱۳۶۱ بود. خودش می گوید هیچ وقت کسی از او نخواست بود بار زندگی را به دوش بکشد، اما او آگاهانه این مسئولیت را پذیرفته بود و از همان سال های کودکی تلاش می کرد کنار پدر و مادرش سهمی در اداره خانه و تربیت خواهر و برادر هایش داشته باشد. هنوز خاطره روز هایی را به یاد دارد که دانش آموز کلاس پنجم دبستان بود و برای پذیرایی از مهمان ها آشپزی می کرد. قدش به اجاق گاز نمی رسید و مجبور می شد سندی زیر پایش بگذارد تا بتواند غذا درست کند. می گوید پدر و مادرش بیش از هر چیز مسئولیت پذیری را به فرزندانشان آموختند؛ درسی که بعد ها در تمام مراحل زندگی همراهش ماند. الگوی زندگی اش را پدرش می داند. محمد سروری در محله چهره ای شناخته شده بود؛ نانوایی خوش نام که ریش سفید محله بود؛ «صدای پدرم همیشه در گوشم است؛ می گفت هر جاکه هستی، متواضع و فروتن باش، مسئولیت

● آغاز سال های معلمی

بعد از فارغ التحصیلی و پس از ازدواج، همراه همسرش به محله کنه بیست (موعود) آمد. محله ای که سال ها بعد قرار بود بخش بزرگی از دغدغه ها، فعالیت ها و تلاش هایش در آن شکل بگیرد. از همان روزهای نخست، دو مسیر را هم زمان پیش برد؛ معلمی و فعالیت های فرهنگی و تشکیلاتی در مساجد. اولین مدرسه ای که به عنوان معلم در آن مشغول به کار شد، مدرسه مهشید در خیابان حر ۲۹ بود. معلمی نبود که فقط به تدریس کتاب های درسی بسنده کند. ذهنش پر از ایده بود و مدام به این فکر می کرد که چطور می توان فضای مدرسه را برای دانش آموزان و خانواده هادل نشین تر کرد. همان روزها پیشنهادی به مدیر مدرسه داد؛ برگزاری برنامه ای با عنوان «جشن تلاش». ایده این بود که در این مراسم، پدران دانش آموزان به مدرسه بیایند و به پاس زحمات همسرانشان، شاخه گلی و هدیه ای هر چند کوچک به آن ها تقدیم کنند. مادرانی که کمتر کسی از زحمات روزانه شان قدر دانی می کرد، آن روز در میان تشویق خانواده ها مورد تقدیر قرار گرفتند.

سروری در همان سال ها، در حالی که فرزند خردسال داشت و مسئولیت های زندگی مشترک را هم بر عهده گرفته بود، از یادگیری دست نکشید. برای ارتقای توانایی های آموزشی خود در دوره های تخصصی آموزش و پرورش شرکت کرد و مدارک تدریس در سه درس اصلی ریاضی، علوم و ادبیات را دریافت کرد. او معتقد بود معلمی تنها ایستادن پشت میز کلاس نیست و برای اثرگذاری بیشتر باید مدام آموخت و به روز ماند. همین نگاه باعث شد در مدارس مختلف این محدود به تدریس مشغول شود و دانش آموزان سال های مختلف او را در کلاس های درس دیده باشند. مدرسه اشرف بزرگ، استقلال، آصفی، شهید رحیم زاده و بسیاری از مدارس دیگر این منطقه، هر کدام بخشی از سال های معلمی او را در خود جای داده اند.



● ● حمایت از بانوان محله

سراغ زنان سرپرست خانوار و بدسرپرست محله هم رفت. با همکاری کمیته امداد این بانوان را شناسایی کرد و با حمایت شهرداری، کلاس های خیاطی را در مسجد راه انداخت. کمیته امداد هم برای تهیه چرخ خیاطی به آن ها وام داد. استقبال از این دوره ها بسیار زیاد بود و تعداد زیادی از بانوان در کلاس ها شرکت کردند. او پس از پایان دوره ها، شرکت کنندگان را به تولیدی ها معرفی کرد تا بتوانند وارد بازار کار شوند. حالایی که از شیرین ترین خاطراتش مربوط به همین بانوان است. زنانی که روزی حتی توان خرید چرخ خیاطی نداشتند اما امروز برخی از آن ها صاحب تولیدی شده اند و برای دیگران هم اشتغال ایجاد کرده اند. می گوید: گاهی ما من تماس می گیرند و تشکر می کنند. وقتی می بینم روی پای خودشان ایستاده اند، احساس می کنم همه زحمت ها ارزش داشته است.»

اما فعالیت های فهمیه سروری هیچ وقت به مدرسه محدود نماند. او در سال های ابتدایی حضورش در محله، عضو شورای اجتماعی محله بود. فعالیت هایش آن قدر پرنرنگ شد که از او خواستند در مساجد هم مسئولیت بپذیرد. به این ترتیب فعالیت خود را از مسجد جامع پورسینا آغاز کرد و بعد فرمانده پایگاه حضرت ولی عصر (عج) در مسجد حضرت فاطمه (س) شد. می گوید: با خودم گفتم خدا یا من چه کاری می توانم انجام بدهم؟ به این نتیجه رسیدم که از تخصص خودم شروع کنم. همین شد که آموزش کودکان بازمانده از تحصیل را در مسجد آغاز کرد. ابتدا تعداد بچه ها کم بود اما کم کم معلمان دیگری هم به این مسیر پیوستند. این فعالیت در سال ۱۴۰۰ و با شیوع کرونا گسترده تر شد و امروز ۸۳ معلم جهادی در مساجد مختلف منطقه به کودکان بازمانده از تحصیل آموزش می دهند. سروری در کنار این کار،



● ● تشکیل یک شبکه انسانی قدرتمند

فعالیت های مجموعه مردمی ولی عصر (عج) به همین موارد محدود نمی شود. آن ها در طول سال، چندین نوبت ویزیت پزشکی رایگان برای اهالی برگزار می کنند و بسته به نیاز روز، برنامه های مختلفی را در محله ها پیش می برند. برای مثال در روزهای جنگ، هسته های مقاومت مردمی را تشکیل داده بودند و نیروهای بسیجی در مساجد برای خانواده ها کلاس هایی برگزار می کردند؛ کلاس هایی با هدف حفظ آرامش، مدیریت شرایط بحرانی و افزایش آمادگی خانواده ها. وقتی از او می پرسیم چطور می تواند این میزان فعالیت را مدیریت کند، جمله معروفش را که بارها در طول گفت و گو بیان کرده است، تکرار می کند: خدا بزرگ است. تو کلت که به او باشد، کارها به بهترین شکل پیش می رود. بعد از آن باز هم از قدرت کار جمعی می گوید اگر امروز این فعالیت ها به نتیجه رسیده، بخش بزرگی از آن به خاطر همراهی فعالان و دغدغه مندان محله هاست و بدون آن ها حتی بخش کوچکی از این کارها هم پیش نمی رفت. سروری معتقد است یکی از مهم ترین دستاوردهای این سال ها، ایجاد یک شبکه انسانی از افراد دغدغه مند در محله ها بوده است. افرادی که هر کدام توانایی و تخصصی دارند و حاضرند بخشی از آن را در اختیار مردم قرار دهند؛ برای اهالی جا انداختیم که نذر فقط پختن غذا و برپا کردن دیگ نیست. نذر فرهنگی هم داریم. هر کسی می تواند با تخصص خودش نذر کند؛ یکی معلم است، یکی مشاور است، یکی پزشک است و یکی مربی هنری.»

بر همین اساس برای هر حوزه و هر محله، سرگروه هایی مشخص کرده و بخشی از مسئولیت ها را به آن ها سپرده است. روشی که باعث شده کارها به جای وابسته بودن به یک نفر، میان افراد مختلف تقسیم شود. می گوید: از سرگروه ها فقط می خواهیم هفته ای یک ساعت وقتشان را به من بدهند. در همان یک ساعت فعالیت ها را با هم بررسی می کنیم و همه چیز روشن و شفاف می شود.

● ● به کار جزیره های اعتقاد ندارم

فهمیه سروری معتقد است هیچ کدام از این اتفاق ها به تنهایی ممکن نیست: «به کار جزیره ای اعتقاد ندارم. کار باید تشکیلاتی و گروهی باشد. قدرت و ظرفیتی را که در کار جمعی وجود دارد نباید دست کم گرفت.» شاید همین نگاه باعث شد در سال ۱۴۰۱ گروه جهادی و تشکل مردمی ولی عصر (عج) راه اندازی و ثبت کند. تشکلی که امروز معلمان، مشاوران، فعالان فرهنگی، مربیان و نیروهای جهادی زیادی را کنار هم جمع کرده است. حالا حدود سیصد نفر به صورت مستقیم و غیرمستقیم در قالب این تشکل با او همکاری می کنند؛ افرادی که هر کدام گوشه ای از کار را به دست گرفته اند تا چراغ خدمت در محله روشن بماند.

فعالیت های فهمیه سروری کم کم او را به چهره ای شناخته شده در منطقه تبدیل کرد. به همین دلیل از مساجد و مجموعه های دیگر هم برای همکاری با او دعوت می شد. یکی از مهم ترین این فعالیت ها در مسجد امام حسین (ع) محله کنه بیست (موعود) شکل گرفت؛ جایی که امروز بخشی از برنامه های آموزشی و فرهنگی او در آن برگزار می شود. او در سال ۱۴۰۳ به عنوان فرمانده پایگاه بنت الهدی در این مسجد منصوب شد. از همان روزهای اول، با توجه به جمعیت زیاد کودکان و نوجوانان محله، تشکیل حلقه های صالحین را در اولویت قرار داد؛ جلساتی که حالا به صورت مستمر در طول هفته برگزار می شود. در کنار آن، تابستان ها کلاس های هنری مانند نقاشی و خیاطی برای دختران نوجوان برپا می شود و چند مشاور و روان شناس هم به صورت داوطلبانه با مجموعه همکاری می کنند تا کلاس های مشاوره رایگان برای بانوان برگزار شود. یکی دیگر از برنامه هایی که در این مسجد شکل گرفته، قرارگاه ازدواج آسان است؛ طرحی که باعث آشنایی بسیاری از خانواده های منطقه با یکدیگر شده و زمینه ازدواج تعداد زیادی از جوانان را فراهم کرده است.

● ● ساختن محله ای بهتر

زندگی فهمیه سروری آن قدر پرمعنا و پراز مسئولیت است که نمی شود همه فعالیت هایش را در یک گزارش گنجانند. حتی اگر کارهای اجتماعی و فرهنگی اش هم بگذریم، در زندگی شخصی و حرفه ای خود هم مسیر پرفراز و نشیبی را طی کرده است. او تاکنون چند کتاب و مقاله در حوزه دروس پایه سوم دبستان و مدیریت آموزشی منتشر کرده و در سال ۱۳۹۷ هم موفق به دریافت مدرک کارشناسی ارشد مهندسی برنامه ریزی شهری شده است.

در میان همه این مسئولیت ها، از نقش خانواده هم یاد می کند. می گوید اگر همراهی همسر و دودخترش نبود، پیش بردن بسیاری از این فعالیت ها ممکن نمی شد. وقتی صحبت از فرزندانش می شود، بالینخند از دختر شانزده ساله اش، محدثه، حرف می زند: دختری که در مدرسه از دانش آموزان ممتاز است و حالا او نیز قدم در



مسیر خدمت گذاشته است.

خاطره ای را تعریف می کند از سفری که به همراه قرارگاه خاتم الانبیا (س) به یکی از روستاهای محروم تربت جام رفتند. در آن اردو، محدثه کنار دیگر گروه های جهادی نشست و برای کودکان روستا کلاس زبان انگلیسی و عربی برگزار کرد. او از تعریف این خاطره خوشحال می شود؛ شاید چون نتیجه چیزی را می بیند که سال ها برایش تلاش کرده است: تربیت نسلی که فقط به فکر خودش نباشد و برای دیگران هم قدمی بردارد.

در تمام سال هایی که درس داده، کلاس برگزار کرده، نیرو تربیت کرده و مسئولیت های مختلف را پذیرفته، هدفش یک چیز بوده است: اینکه در محله ها انسان های دغدغه مند و پوی کار پرورش پیدا کنند. افرادی که بتوانند مسائل اطرافشان را ببینند و برای حل آن ها دست به کار شوند. شاید به همین دلیل است که وقتی از آرزوهایش می پرسیم، از عنوان ها و مسئولیت ها حرفی نمی زند. آرزویش این است که در هر محله، آدم هایی پیدا شوند که دلشان برای هم محله ای های شان بتپد؛ آدم هایی که ادامه دهنده همین مسیر باشند و برای ساختن محله ای بهتر تلاش کنند.

● ● شور و انگیزه همکاری با خانم سروری

می توانی مؤثر باشی. شور و انگیزه ای در وجود آدم ایجاد می کند که دوست داری وارد میدان شوی و کاری انجام بدهی. بعد از این آشنایی، کم کم فعالیت هایم در مسجد بیشتر شد و حالا به عنوان رابط مشاوران شورای اجتماعی محله با مردم و اهالی ارتباط دارم و در قرارگاه ازدواج آسان هم فعالیت می کنم. حالا سه شنبه ها و پنجشنبه ها به مسجد می آیم و در برنامه های مختلف همکاری می کنم. یکی از ویژگی های خانم سروری این است که هیچ وقت کسی را به کاری مجبور نمی کند. فضا طوری است که خودت با علاقه و اشتیاق مسئولیت می پذیری و دوست داری برای محله و مردم کاری انجام بدهی.

مریم عباسی، فعال اجتماعی محله

من عضو شورای اجتماعی محله کنه بیست (موعود) و از نیروهای پایگاه بنت الهدی در مسجد امام حسین (ع) هستم. تا دو سال پیش هیچ فعالیت اجتماعی نداشتم و آشنایی ام با خانم سروری از طریق دخترم شکل گرفت. اول دخترم عضو بسیج نوجوانان مسجد شده بود و به واسطه او با خانم سروری آشنا شدم. از همان برخورد های اول، گرمی و صمیمیت ایشان من را جذب کرد. خانم سروری طوری با آدم صحبت می کند که احساس می کنی تو هم



کودکی و نوجوانی مهدی مهمان نواز با عبور قطار از نزدیک خانه گره خورده است

خاطراتی روی ریل سجادیه



ایستگاه اول

سید محمد عطائی | خاطرات کودکی اش با کوچه پس کوچه های محله سجادیه، ریل راه آهن و بچه محل های هم سن و سالش گره خورده است. مهدی مهمان نواز بیشتر از بیست سال در این محله ساکن بوده و حالا هم رئیس شورای اجتماعی محله هم جوار یعنی کوی سلمان است. او آن قدر خاطرات شنیدنی از دوران کودکی اش دارد که انتخاب بهترین ها کمی دشوار می شود؛ از عبور هر روزه قطار از کنار خانه شان تا فرار از مدرسه و ساعات خوش دوستی در مسجد ابو الفضلی. مهدی آقا لایه لای این گفت و گو می گوید: «نمی دانم ما کوچک بودیم یا دنیا این قدر بزرگ به نظر نمی رسید که یک خانه هفتاد هشتاد متری، محل بازی چندین کودک بود یا یک خانواده تنها در اتاقی دوازده متری زندگی می کرد و اصلاً فضا کوچک به نظر نمی آمد. انگار آن دوران همه چیز ساده تر و قشنگ تر بود.»



خانه کوچکی داشتیم که یک پله از سطح کوچه پایین تر بود. دو طبقه داشت که باز طبقه پایینش سه پله گودتر بود. این خانه چهار اتاق داشت و در هر اتاقش یک خانواده زندگی می کرد. در همان عالم کودکی حیات خانه برای ما خیلی بزرگ به نظر می آمد و همیشه ما بچه های این چهار خانواده با هم مشغول بازی می شدیم.

ایستگاه دوم

برایم تعریف کرده اند که حدود سه سال داشتم که تاتی کنان از خانه بیرون آمدم و مشغول طی کردن عرض کوچه بودم که خود رویی به من زد. بقال روبه روی خانه ما، آقای اصغر زارع، من را به درمانگاه حضرت ابو الفضلی (ع) که روبه روی خانه مان بود، برد. هنوز آثار جراحی آن تصادف بالای پیشانی ام دیده می شود. این درمانگاه هم چند سالی می شود که تعطیل شده است.



ایستگاه سوم

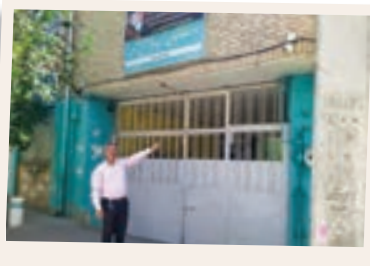
رفت و آمد مردم در دهه ۶۰ بین دو محله سجادیه و رضاییه از تونلی در انتهای خیابان شهید اعمادی وزیر ریل های راه آهن انجام می شد. زمانی که باران می آمد، در این تونل کمی آب جمع می شد و مادر آن بازی می کردیم. این تونل هنوز هم هست ولی جلو آن را پوشانده اند.



ایستگاه چهارم

ایستگاه پنجم

روبه روی خانه مان دبستان شهید فاضل الحسینی بود که هنوز هم دایر و فعال است. چون مدرسه تنها چند متر با خانه مان فاصله داشت، زنگ های تفریح از لای نرده های بالای در مدرسه فرار می کردم و به خانه مان می آمدم و برمی گشتم. مدرسه آن قدر شلوغ بود که کسی متوجه نمی شد.



ایستگاه ششم

روبه روی همان تونل، باغ تره ای بود که در عالم بچگی می رفتیم آنجا و از گوجه فرنگی ها و خیارهایش می خوردیم. اگر هم صاحب باغ متوجه می شد، در کسری از ثانیه از دیوار باغ بالا می پریدیم و فرار می کردیم.

ریل راه آهن نزدیک خانه، خاطرات بسیاری برای ما ساخت؛ از قرار دادن سرنوشابه و سکه دوربالی روی ریل وزیر چرخ های قطار، تا حوادث تلخی که می دیدیم و می شنیدیم؛ مثلاً افرادی که زیر قطار رفته بودند. البته از قطار خاطرات خوب هم داشتیم؛ مثلاً در نوجوانی یک بار متوجه شدم پیرزنی صدای سوت قطاری را که نزدیکش می شد، نمی شنود. با عجله رفتم و او را هل دادم. از روی ریل به آن سو پرت شد و خوشبختانه جان سالم به در برد.





فرهنگ سرای محله پورسینا در یک رویداد محلی، میزبان بانوان آشپز بود

رقابت طعم‌ها در «نصرت»

هر چند وقت یک بار برنامه و جشنواره‌ای متفاوت برگزار می‌کند. این کار حال و هوای خانم‌ها را عوض می‌کند و باعث می‌شود کمی از زندگی روزمره فاصله بگیریم.»

وحیده حسینی یکی از اهالی محله پورسینا است که امروز برای بازدید از غرفه‌ها به فرهنگ سرآمده. او توضیح می‌دهد که امروز همسایه‌ها را هم با خود همراه کرده تا ساعتی را در فضایی شاد و متفاوت سپری کنند.

● فرصتی برای نشان دادن هنر بانوان

در پایان این جشنواره، مدیر فرهنگ سرای نصرت از استقبال اهالی و ساکنان محله‌های اطراف و حتی دورتر خبر می‌دهد. به گفته او، این برنامه با حضور پانزده شرکت‌کننده برگزار شده و عملکرد بانوان نیز در سطح مطلوبی بوده است. مرتضی نجار با اشاره به اهداف برگزاری این رویداد توضیح می‌دهد که پیش از آغاز جشنواره به شرکت‌کنندگان تأکید شده بود غذاهای سالم و سستی تهیه کنند؛ یکی از اهداف مادر این فرهنگ سراترویج سبک زندگی ایرانی و اسلامی و زیست سالم است که می‌توانیم با برگزاری جشنواره‌های غذاگوشه‌ای از آن رانشان بدهیم.»

او ادامه می‌دهد که این منطقه بانوانی خوش ذوق و هنرمند دارد که چنین برنامه‌هایی، فرصتی برای نمایش بخشی از توانمندی‌های آن‌ها فراهم می‌کند. همچنین حضور غذاهای متنوع از اقوام مختلف، زمینه‌آشنایی بیشتر با فرهنگ‌های گوناگون ایران را فراهم کرده و به غنای این جشنواره افزوده است.

● انگیزه بخشی به بانوان

یکی دیگر از شرکت‌کنندگان این جشنواره عصمت شاهسون است که در نهایت موفق به کسب مقام اول هم می‌شود. همان ابتدای کار، زمانی که سلفون از از ظرف غذاایش کنار می‌زند، عطر قلبه مرغی که آماده کرده است، فضای سالن را پر می‌کند؛ عطری که توجه بسیاری از حاضران را جلب می‌کند. او تهیه این غذای جنوبی را از علاقه مندی‌های همیشگی خود می‌داند و می‌گوید: این غذا را خیلی دوست دارم و هر هفته درستش می‌کنم.

شاهسون خودش از فروشندگان بازارچه هفتگی فرهنگ سرای نصرت است و به طور مداوم در این فضا رفت و آمد دارد. به گفته او، برگزاری چنین جشنواره‌هایی در بازه‌های زمانی مختلف، حال و هوای تازه‌ای به محیط می‌دهد و باعث ایجاد انگیزه و نشاط در میان بانوان می‌شود؛ خیلی خوب است که این فرهنگ سرا

نیکو عقیده‌امیزهای چیده شده در سالن ورودی و جنب و جوش خانم‌ها نشان می‌دهد که اینجاقرار است برنامه‌ای متفاوت برگزار شود؛ برنامه‌ای که با کلاس‌ها و فعالیت‌های روزانه و همیشگی فرهنگ سرای نصرت فرق دارد. صبح روز شنبه، بانوان اینجا حاضر شده‌اند و یکی یکی سلفون‌ها را از روی ظروف غذایی که از قبل آماده کرده‌اند، جدا می‌کنند، روی میز می‌چینند و منتظر شروع رویداد «جشنواره غذا» می‌مانند.

● عطر و بوی متفاوت

میزهای رنگارنگ در سالن، همراه با عطرها متنوع غذاها، حال و هوایی متفاوت به فضای فرهنگ سرای نصرت داده و باعث شده جنب و جوش امروز از روزهای معمول بیشتر باشد. اهالی محله در میان میزها قدم می‌زنند. از غذاها بازدید می‌کنند و در کنار آن، خرید هم انجام می‌دهند. تنوع غذاها بالاست، اما بیشتر آن‌ها در دسته غذاهای سنتی قرار می‌گیرند؛ غذاهایی مثل کشک بادمجان، آش رشته و دیگر خوراکی‌های خانگی. در میان شرکت‌کنندگان، زهرا سالاری، یکی از بانوانی است که با تهیه کیک یخچالی در این جشنواره حضور پیدا کرده است. او می‌گوید از طریق کانال فرهنگ سرا از برگزاری جشنواره مطلع شده و این نخستین تجربه حضورش در چنین رویدادی است. او سال‌هاست به آشپزی علاقه دارد و این جشنواره را فرصتی برای آشنایی بیشتر با دیگر بانوان و همسایه‌ها می‌داند. در پایان این جشنواره، زهرا سالاری موفق می‌شود با کیک یخچالی خود مقام سوم را کسب کند.



نوجوان رزمی‌کار محله مهرآباد در ۵ سال گذشته به سکوی قهرمانی کشور و رقابت در لیگ برتر رسیده است

یک قدم تا افتخار جهانی



● از چه زمانی تمرین را جدی شروع کردی؟

از حدود دهنه سالگی دنبال این رشته بودم، اما باشگاه و مربی مناسب پیدا نمی‌کردم. پنج سال پیش، یکی از دوستانم، باشگاه استاد محمدشید را معرفی کرد و از همان زمان تمرینات حرفه‌ای من شروع شد.

● کدام ویژگی‌های استادت را بیشتر دوست داری؟

علاوه بر مهارت فنی، اخلاق و رفتارش برایم الگوست. همیشه برای شاگردان وقت می‌گذارد و با حوصله آموزش می‌دهد.

● به نظر تو ورزش چه تفاوتی با دیگر رشته‌های رزمی دارد؟

در بخش ساند، مبارزه کاملاً واقعی و همه جانبه است. در این

عطائی قرارمان در باشگاه رزمی شهیدسلطان زاده در مهرآباد ۱۳۴ است؛ جایی که ایمان معینی پور، نوجوان هفده ساله محله مهرآباد، ساعات‌های زیادی از ورزش را به تمرین اختصاص می‌دهد. نوجوانی که با کسب چندمدال از جمله دو مقام دوم مسابقات کشوری فدراسیون ووشو در رده سنی نوجوانان در سال‌های ۱۴۰۱ و ۱۴۰۲ و مقام اول بخش ساند در مسابقات استانی یادواره شهیدای جنگ تحمیلی دوازده روزه در شهریور ۱۴۰۴ در رده سنی جوانان شروع خوبی داشته است. علاوه بر این او سال ۱۴۰۳ به عنوان عضو تیم دانشگاه آزاد خراسان شمالی در لیگ برتر ووشو کشور به مقام دوم کشور رسیده است. او حالا رده‌ی بزرگ تری را دنبال می‌کند و آن رسیدن به سکوی قهرمانی جهان است.

● چه شد که به ورزش روی آوردی؟

در خانواده ما ورزش جایگاه ویژه‌ای دارد. پدر و برادرم هم در رشته‌های رزمی، کشتی و بدن سازی فعالیت می‌کنند و همین باعث شد از کودکی با فضای ورزش آشنا شوم.

● چرا ووشو را انتخاب کردی؟

وقتی فیلم‌های بروس لی را می‌دیدم، مجذوب سرعت و مهارتش می‌شدم. همان موقع آرزو داشتم روزی مثل او یک رزمی‌کار حرفه‌ای باشم و همین علاقه، من را به سمت ووشو کشاند.

رشته هم دست‌ها، هم پاها و هم تکنیک‌های مختلف در مبارزه نقش دارند و همین آن را جذاب تر و سخت تر می‌کند.

● الان در چه سطحی هستی؟

موفق شده‌ام در ۳ ووشو کسب کنم و در مسابقات مختلف استانی و کشوری حضور داشته باشم.

● مهم‌ترین موفقیت ورزشی‌ات چه بوده است؟

سال ۱۴۰۳ در مسابقات انتخابی تیم ملی جوانان در مقام سوم بخش تالوار به دست بیاورم. هر چند به تیم ملی نرسیدم، اما رقابت با بهترین‌های کشور تجربه بسیار ارزشمندی بود.

● شیرین‌ترین و تلخ‌ترین خاطره ورزشی‌ات چیست؟

شیرین‌ترین خاطره‌ام زمانی بود که بعد از تمرین‌های زیاد توانستم برای اولین بار انعطاف کامل داشته باشم و پاهایم را ۱۸۰ درجه باز کنم. تلخ‌ترین خاطره هم از دست دادن مدال انتخابی تیم ملی در مسابقات سال گذشته با اختلاف تنها دو صدم امتیاز بود.

● ورزش چه تأثیری بر زندگی‌ات گذاشته است؟

بزرگ‌ترین هدیه ووشو برای من اعتماد به نفس و پشتکار بوده است. احساس می‌کنم این ورزش به من آموخته که برای رسیدن به هدف‌هایم تسلیم نشوم.

● آرزوی تو در این رشته ورزشی چیست؟

دوست دارم روزی قهرمان جهان شوم و پرچم کشورم را در مسابقات بین‌المللی بالا ببرم؛ همچنین مبارزه MMA خواسته قلبی من است.



چهنو، مصلی، کارمندان اول، کارمندان دوم، شهید آقامصطفی خمینی، شیرین، امیرآباد، شهید معقول، کشاورز، پورسینا، ارونند، انصار، شهید باهنر، شهید بسکابادی، شهید شیرودی، شهید رستمی، کوی ۲۲ بهمن، کنه‌بیست، شهیدرجایی

محلات منطقه‌ها

مهدی‌آباد، رضائیه، سجادیه، حسین‌آباد، مهرآباد، امیرالمؤمنین(ع)، نیزه، شهید آوینی، ثامن، کوی سلمان، جلالیه

خانه موزه هنر و فرهنگ محله شهید آوینی میزبان آثار هنرمندان جوان گلشهری شد

حال خوب همسایه‌ها با «هم‌سایه‌ها»



شایان ذکر نمایشگاه این است که محوریت آموزشی و تخصصی دارد و چون در آستانه تابستان و اوقات فراغت بخشی از جامعه هستیم، نمایش این آثار می‌تواند انگیزه خوبی برای علاقه‌مندان به رشته هنری سیاه‌قلم باشد تا با تکنیک‌ها و کاربرد وسیع این رشته آشنا شوند.

● دلگرمی و حمایت بازدیدکنندگان

سکینه‌ضرغامی بیست و پنج ساله یکی از هنرمندان گلشهری است که برای اولین بار آثار خود را به نمایش می‌گذارد. درباره حس و حالش می‌گوید: من به مدت یک و نیم سال است که زیر نظر استاد جعفری آموزش می‌بینم و خوشحالم که در مدت کمتر از یک ماه توانستم آثاری خلق کنم که برای عموم به نمایش گذاشته شد.

یگانه علیزاده هجده ساله نیز به مدت هفت سال است که طراحی و نقاشی را کار می‌کند. او می‌گوید: انتظار چنین استقبالی را نداشتم و ابتداءگمان می‌کردم با انتقادهای تند و شدیدی روبه‌رو شوم اما با دلگرمی‌های زیادی از طرف مخاطبان مواجه شدم و انرژی گرفتم. هادی مجتبیایی چهل و شش ساله، کارگردان و فیلم‌ساز محلی که مشغول صحبت با یکی از صاحبان اثر در نمایشگاه است، می‌گوید:

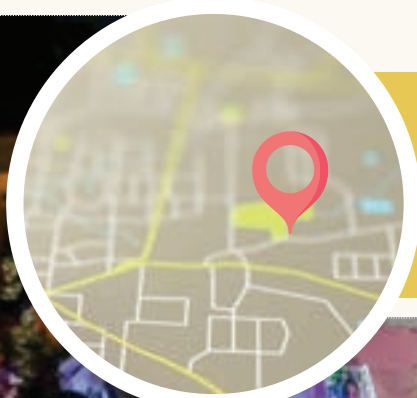
مرضیه میرزاپور دوشنبه هفته گذشته، جمعیت زیادی، به محله شهید آوینی و خانه موزه هنر و فرهنگ گلشهر آمده بودند تا در مراسم اختتامیه نمایشگاه گروهی هنری به نام «هم‌سایه‌ها» سبک سیاه‌قلم شرکت کنند. این نمایشگاه به مدت چهار روز با موضوع نقاشی طبیعت بی‌جان، منظره، حیوانات و چهره برگزار شد و آثار هنرمندان جوان گلشهری در معرض دید عموم قرار گرفت. بیشتر این هنرمندان، اولین اثر حرفه‌ای خود را در این نمایشگاه به نمایش گذاشته بودند.

● نمایش گروهی برای انگیزه علاقه‌مندان

حیاط پراز هنر دوست‌هایی است که حتی از مناطق دیگر برای بازدید نمایشگاه آمده‌اند. جمعیت به قدری زیاد است که مجبور می‌شوند در کوچه‌صندلی بگذارند. بازدیدکنندگان از هر سنی هستند. مردم محلات مختلف گلشهر آمده‌اند تا از هنرمندان محله خود حمایت کنند. محمد حسین جعفری که مدیریت خانه موزه هنر و فرهنگ گلشهر را به عهده دارد، درباره این نمایشگاه توضیح می‌دهد: این نمایشگاه گروهی به همت جوانان و نوجوانان برگزار می‌شود و در آن، کارهای ابتدایی هنرمندان به نمایش گذاشته شده است. نکته

وقتی متوجه شدم که این نمایشگاه از کارهای ابتدایی بچه‌هاست، انتظار روبه‌رو شدن با چنین طراحی‌های سطح بالایی را نداشتم. شهناز صحرایی بیست و شش ساله است و لیسانس حقوق دارد. در حالی که به تماشای اثرها مشغول است، می‌گوید: فضای نمایشگاه خیلی لذت‌بخش است و حال و هوای خوبی برایم می‌سازد. سطح کارها خیلی بالاست و فکر می‌کنم وجود این نمایشگاه‌ها ضرورت دارد تا هنر در محله فراموش نشود.

محله به روایت شما



● در صد مین شب تجمع مردمی محله آقامصطفی خمینی، نیروهای پدافند هوایی ارتش جمهوری اسلامی ایران به دستور سرلشکر امیر حاتمی، فرمانده ارتش، در میدان پدافند هوایی محله حضور یافتند و با اهدای شاخه‌های گل سرخ، از حضور حماسی و حمایت‌های مردم شجاع ایران در خیابان‌ها و میدان‌ها قدر دانی کردند.

تصویر و متن از ظهری، فعال فرهنگی محله آقامصطفی خمینی



● ویژه برنامه روز مباحله ویژه کودک و نوجوان محدوده عباس‌آباد در محله مهدی‌آباد برگزار شد. در این برنامه که صد دختر نوجوان مهمان آن بودند، سرود، دکلمه خوانی و مسابقه اجرا و در پایان بیش از هفتاد جایزه متنوع تقدیم حاضران شد.

تصویر و متن از طیب زینعلیان، فعال فرهنگی محله مهدی‌آباد



● غرفه قاب مقاومت پایگاه یاس نبی(س) در اجتماع مسجد جامع شهرک شهید رجایی برپا شد. در این غرفه که به نیت ثبت خاطره‌ای یاد خیران شهید میناب ساخته شده است، کودکان حاضر در اجتماع با تصویر این شهدا عکس یادگاری می‌گیرند.

تصویر و متن از زهرا خیابانی، فعال فرهنگی